

کتابخانه عمومی



کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی

CHECKED

بسم الله الرحمن الرحيم

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ زهی صانعی که از خاک و ناپایه از پیرایه
 و منظر جلال و جمال خود و تصنیف اعطیات که
 ناتوانی و جمل نادانی با او است را که زین فی آسمان باب برین میاوردند متحمل ساخته و گان
 ذلک علی الله یسیرا و هر یک را بخود و این منوی فرمود و ما شاکر اولیا کفو را در هر یکی از
 نعمت و مودلین امانت شایسته کس مرتب ساخته و اذرا ایت ثور ایت نعما و ملک اکبر
 و برای کافران که انهم هم مقیم در بکلی و در دانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسل و اغلالا
 و سعیرا و از کمال یافت ایتا و در جنتا و مبعشر و نذر و کمیل و بن شین و تمیم نعمت عظیم
 فرموده و بیعت خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه و سلم داعیا الی الله بلیک
 و سراجا منیرا اللهم صل و سلم و بارک علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة
 المقربین و علی الی اتباعه و اصحابه و الخالدین یوفون بالندوة و یحافظون یوما کان شکرهم مستطیر
 بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد شاد و ابد عثمانی مجددی می نگارد که خوف و طمع از جناب الهی حلقب جمیع خیرات
 و حاجت از جمیع محار و نیات است و اطلاع بر احوال قیامت شمر این کات لند این فقیر خند ورق و دین
 بزبان فارسی باستانی و بیافسان از بد و در اسافره تصنیف امام بهام علام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

بسم الله الرحمن الرحيم
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ
 زهی صانعی که از خاک و ناپایه از پیرایه
 و منظر جلال و جمال خود و تصنیف اعطیات که
 ناتوانی و جمل نادانی با او است را که زین فی آسمان باب برین میاوردند متحمل ساخته و گان
 ذلک علی الله یسیرا و هر یک را بخود و این منوی فرمود و ما شاکر اولیا کفو را در هر یکی از
 نعمت و مودلین امانت شایسته کس مرتب ساخته و اذرا ایت ثور ایت نعما و ملک اکبر
 و برای کافران که انهم هم مقیم در بکلی و در دانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسل و اغلالا
 و سعیرا و از کمال یافت ایتا و در جنتا و مبعشر و نذر و کمیل و بن شین و تمیم نعمت عظیم
 فرموده و بیعت خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه و سلم داعیا الی الله بلیک
 و سراجا منیرا اللهم صل و سلم و بارک علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة
 المقربین و علی الی اتباعه و اصحابه و الخالدین یوفون بالندوة و یحافظون یوما کان شکرهم مستطیر
 بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد شاد و ابد عثمانی مجددی می نگارد که خوف و طمع از جناب الهی حلقب جمیع خیرات
 و حاجت از جمیع محار و نیات است و اطلاع بر احوال قیامت شمر این کات لند این فقیر خند ورق و دین
 بزبان فارسی باستانی و بیافسان از بد و در اسافره تصنیف امام بهام علام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

فصل در ذکر محمد ممدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداود و از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل بپزند یعنی از جور پر شده بود و لقب او داد از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام من باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق
نه در خلق ابوداود و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده و حضرت ممدی کشیده
بلند و باریک بینی و ابوداود و از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که با دشمنی
آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برانند و او کاره باشد
و در میان رکنی مقام با دوی حجت کنند پس لشکری از طوف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و مختصای از عراق آمده با دوی حجت کنند
پس مردی از قریش براید که احوال او از نبی کلب باشند ممدی وی لشکر فرستاده و غلب شوند
و ممدی بنده تیغ صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و
کنند پسر میرد و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله
این را از عدل بپزند و اهل آسمان زمین را به و راضی باشند آسمان و باریدن و زمین بر رویانیدن
کمی کنند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان هم زنده بودند غی خوش آسایش کردند می شد
در صحیحین که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را به اقسام قسمت کند هر دو و مسلم از ابی هریره روایت کرده آنحضرت
صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که اهل آسمان و زمین را بر دوزخ براند و دنیا بد کسی که قبول زکوٰه کند
نوع و دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول یا
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض و ثلث چاشت هر یکی که از اینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَلَا تَأْوِعُ الْقَوْمَ
مِّنَ الْأَرْضِ نَكَلَهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَاثِرُونَ لَا يُوقِنُونَ

فصل در ذکر محمد ممدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداود و از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل بپزند یعنی از جور پر شده بود و لقب او داد از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام من باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق
نه در خلق ابوداود و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده و حضرت ممدی کشیده
بلند و باریک بینی و ابوداود و از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که با دشمنی
آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برانند و او کاره باشد
و در میان رکنی مقام با دوی حجت کنند پس لشکری از طوف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و مختصای از عراق آمده با دوی حجت کنند
پس مردی از قریش براید که احوال او از نبی کلب باشند ممدی وی لشکر فرستاده و غلب شوند
و ممدی بنده تیغ صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و
کنند پسر میرد و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله
این را از عدل بپزند و اهل آسمان زمین را به و راضی باشند آسمان و باریدن و زمین بر رویانیدن
کمی کنند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان هم زنده بودند غی خوش آسایش کردند می شد
در صحیحین که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را به اقسام قسمت کند هر دو و مسلم از ابی هریره روایت کرده آنحضرت
صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که اهل آسمان و زمین را بر دوزخ براند و دنیا بد کسی که قبول زکوٰه کند
نوع و دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول یا
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض و ثلث چاشت هر یکی که از اینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَلَا تَأْوِعُ الْقَوْمَ
مِّنَ الْأَرْضِ نَكَلَهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَاثِرُونَ لَا يُوقِنُونَ

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک و بعد خارج کنیم بر
مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بایات مایقین نمیداشتمند و در قرآنی غیر متواتر حکم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بایات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او شل روی انسان باشد صاحب حجیه و سایر بدان
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در که از کوه صفار باید ابن عباس درج بر
کوه صفاء عصا کوفت و گفت که دایه الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
عبد الله بن عمر گفته که سر او برابر ... و نور در زمین باشد و بغوی از ابی هریرة انصاری از
انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت
و در کتب ذکر آورده است که ... پس سوم بار در کعبه براید سر خود را از خاک افشان
و در کتب دیگر آمده است که ... و کافر را گوید ما کافر و در کتب
آمده که با وی حصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی موسی نکته سفید نهد و لفظ
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوب و درختان و کافر را نکته سیاه خاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن مردم بشناسند و در بازار گویند ای موسی زخمی
سیدی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض مخصوص عیسی باشد عیسی مسلمانان در طواف باشد
که زمین بریزد و صفایشگافته شود و او براید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض از هر چه در دنیا می ماند
بقیه حدیثی روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم
است قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و در
سازمانه و سران ملل عدم ... بر چه چیزی که نزل و بعد او گروه باشد و مسلم از حدیث
اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که در چیزی پیش از آن

آری سخن او را در کنند پس با الهامی شان ملوک شود و بر زمین خوابه بگذرد و بگوید که خزانهای دیر
 خزانهای دیرین میسرودی او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجای میروی گویند
 این شخص که برادرت است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گویند پروردگار ما پوشیده است
 گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
 نکشید پس او را حضور او بر نزد چون مرد مومن او را ببنده که با او است که رسول الله صلی الله علیه و سلم
 از آن خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید و بزنید و بزنید و بگوید که ایمان من آرا گویند
 که تو سیح دجال هستی آن زمان مرا کنند که او را از سر تا قدم از آزاره دوپاره کنند و خود از میان برود
 بگذرد پسترا و بگوید که برخیز از زنده شود و برخیز پس گویند که حالا ایمان من می آری موسی گویند که
 زیاده تر از او نیستم که تو دجال هستی گویند که ای مردمان حالا این چنین با کسی نخواهد کرد پسترا و او را
 بگیرد و خواهد که او را بکشد و او را بکشد پس دست و پایش گرفته بر تار بر
 دست و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه و سلم
 فرمود که اسیر من باشد در سلامت نزد خدا و با دجال صورت جنت و بار باشد چیزی را که در جنت
 دانند جنم است و چیزی را که جنم دانند جنت است و در روایاتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
 که دجال شخصی را طلب کند که جوانی دردی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پسترا و او را بخواند
 و او بر خاسته سیاید آن زمان بخندد و خوش شود در میان حال عیسی علیه السلام هر دو دست بر
 بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی و مشرق فرو آید در حالیکه چون سرفرو کند قطعه
 از سرش افتد و چون سربالاکند از آن مثل و انهای مروارید فرو ریزد و اگر بسوی او رسد فرو
 و آنکه نظر او رسد پس خود او را از زوایا بکشد که در هیئت نزدیک است
 مسلمانان محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها
 شفقت فرماید سارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برادر
 از بندگان خود بندگان که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد بندگان را بسوی طور پس حق تعالی

این را در صحیح مسلم
 در تفسیر و تالیف کرده
 است در صحیح
 محمد از امام باقر
 از روایت عیسی علیه السلام
 و بعضی گفته اند که
 از تفسیر و تالیف

یا حج و ما حج را فرستد که از هر بلندی بستی می آیند پس بشروان آنها بر دریای طریقه بگذرد
تمام آب آرا بوشند چون س آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس بگویند
آنها تا که رسند بچیل خر که کوهی است نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین بکشیم پس همه آنها
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهایشان را پر خون بازگرداند و همی اندیسی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کله گاو و بز و آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرو آیند و یک وجب بین او در دار و بدوبوی با حج و
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب آید و آیه ایا خانه ای دارند بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران بختی باشد آنها را برداشته
آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان
یا پارچه و شمشیر پناه ازان باران نتواند کرد پس تسلیم زمین را بشوید تا که رایت شود من است پس
بفرماید حق تعالی زمین را که تمرد و میاندازد برکت باز و بد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورد و از پوست آن سایه کند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
جماعت کثیره را و گاو ماده شیردار یک سیله کلان او بز ماده شیردار کفایت کند قبیل خود را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه فرستد و مردم را از زیر یغما بگیرد ازان باد همه مسلمان
بمیرند و کفار باقی مانند با هم اختلاط کنند مثل ایران با آنها قیامت قائم شود و در صحیح آمده که دجال
از مشرق بقصد هند آید پس کوه احد فرو آید حق تعالی او را از دجله مدینه محرم داشته ملاک
روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که دجال
فریاد آید اول سوره که گفت بخواند از شر او ایمن باشد و یسقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال بر خراب باشد میان دو گوش آن خربقا دبا
شد بلع مقدار قد آدم است و در
صحیح مسلم قصه تیمیم داری است ازان معلوم می شود که دجال موجود است مجوس است

۱. بلع نام دجست
۲. شام
۳. جبین کوهی
۴. کرانجا دشت بسیار
۵. دقت فحشین
۶. کوهی است در زمین را
۷. میخندند که
۸. بختی است
۹. از شتران خراسانی
۱۰. دار گردن
۱۱. دهشت شکو
۱۲. داخل شود و بدو غلب
۱۳. مسج و حال مدینه
۱۴. دجال در قیامت و در
۱۵. و بر در و در شده
۱۶. بستان باشد

در جزیره دریای شام یا دریای یمن و دخول که و مدینه و جبال را میسر نه شود
 فصل از ابی بریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
 آید عیسی بر من حاکم عادل شکننده صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشند و خاکان را یعنی
 حرام نه غارتن آن موافق شرع محمدی و جریه نه در نصار و بخیه کفار از اینجا معلوم میشود که
 نصار اگر کفر خود باشند و بعیسی گردیده نشوند و از مسیحیت جدا شوند تا آنکه کسی قبول نکند
 که مسیح بن مریم باشد از دنیا و از آنجا که شتر اده جهان را گذرانسته شود
 کسی عیسی کند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
 کسی قبول نکند و نیز مسلمانی را که چون عیسی نازل شود تاثیر آنوقت بگوید که شما
 امامت کنید و نماز را بپوشید و زکوة بدهید و صیام بگیرید و حج بکنید و این جزوی از
 عبد الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
 من در قبر من دفن کرده شود و در
 قیامت در میان ابی بکر و عمر و عثمان و علی و فاطمه و حسن و حسین و محمد و از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و بطریق این حدیث با حدیث سابق
 که بدون عیسی از نوزده سال است از آنجمله سی و شش سال پیش از رفتن سید آسمان هفت سال بعد از
 فصل از ابی بریره و صحیحین و یست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت خواهد
 گنجی بیرون بدارد از پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که در آن روایتی در صحیح مسلم از ابی بریره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که ذاکر
 از من بستم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی بریره از آنحضرت
 من بستم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی بریره از آنحضرت
 بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
 کرده بودم و دزد بگوید که برای این قطع رحم کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

[illegible]

و حسنین را توفیق رسول کریم سوار شوند پستبر متقیان را بر ناکتهای بهشت باز بینای طلاء و مهابه
سوار کرده بمشربده شوند و فاسقان را سپاده پابرند و کافران را بر رویهای شان کشیده برینند
و توفیق آتیه که هرگاه مردم از قبور برانند عمل او بر صورت انسانی با دوی ملاقات کنند عمل مسلمانان
نیکترین صورت و خوشترین بود و بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت تو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح تو ام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کرده ام حالا تو بر آن سوار شو و می شناسی که حق تعالی تو را بهشت و قدا
کنایه از آن است و عمل کافر بدترین صورت و بدترین بودی ملاقات کند و گوید که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا
من عمل به تو ام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون بر این توبه کن و می شناسی که حق تعالی تو را بهشت
و قدا عمل خیر و عبادت از آن است و چون از قبور روان شوند و فرشتگان نورسند پس که در دای
همراه باشند و شاید باشند برانها هم ملانان را بگویند که این کافر است و اکثر الجحیم
الکفری کنت تو عمل خیر خود را بکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده
کافران و فاسقان بر صورت های زبور که باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزینه
مانند آن باشند و در باخواران مانند دینزدگان استخوان نتوانند و آنرا که مال بیتان مظلوم خورده
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهن شان براید قال الله تعالی یا کافرین فی طوق نهم کذاب
مشکله این بر صورت مور جا باشند هر کس آنها را پایا کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر بریزد بر روی او مضطرب گشت نباشد هر که بر قیل مسلمان نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی
نامید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه براق انداخته براق او بر روی او باشد هر که دوزن داشته باشد
و بعد از آن روز قیامت یک بطوی افتاده باشد هر که در دوزخ دوزبان باشد او را حق تعالی دوزبان بدید
از آتش هر که مقدار یک حب بین غضب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا بهشت ببلق طوق در گرد
سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت بیشتر یا اسب یا بز یا دیگر مال

برای تویم متقیان را
سوار کرده بمشربده
توفیق آتیه که هرگاه
مردم از قبور برانند
عمل او بر صورت
انسانی با دوی ملاقات
کنند عمل مسلمانان
نیکترین صورت
و خوشترین بود
و بگوید مومن را
که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم
مگر آنکه حق تعالی
چه خوش داده است
ترا صورت تو بگوید
که همچنین بودی
تو در دنیا من عمل
صالح تو ام در دنیا
بسیار سواری کرده
ام حالا تو بر آن
سوار شو و می شناسی
که حق تعالی تو را
بهشت و قدا
کنایه از آن است
و عمل کافر بدترین
صورت و بدترین
بودی ملاقات کند
و گوید که مرا می
شناسی گوید نمی
شناسم لیکن چه بد
کرده است حق تعالی
صورت تو بگوید
که همچنین بودی
تو در دنیا من عمل
به تو ام بسیار
سواری کردی تو بر
من اکنون بر این
توبه کن و می
شناسی که حق تعالی
تو را بهشت و قدا
عمل خیر و عبادت
از آن است و چون
از قبور روان
شوند و فرشتگان
نورسند پس که در
دای همراه باشند
و شاید باشند
برانها هم ملانان
را بگویند که این
کافر است و اکثر
الجحیم الکفری
کنت تو عمل خیر
خود را بکن و غم
مخور و خوش باش
بهشت که حق تعالی
ترا وعده کرده
کافران و فاسقان
بر صورت های
زبور که باشند
نابینا و بعضی
بر صورت خوک یا
سگ یا بوزینه
مانند آن باشند
و در باخواران
مانند دینزدگان
استخوان نتوانند
و آنرا که مال
بیتان مظلوم
خورده چون از
قبور برخیزند
شعله آتش از
دهن شان براید
قال الله تعالی
یا کافرین فی
طوق نهم کذاب
مشکله این بر
صورت مور جا
باشند هر کس
آنها را پایا کند
و هر که بدون
حاجت سوال کند
چون از قبر
بریزد بر روی
او مضطرب گشت
نباشد هر که
بر قیل مسلمان
نیم کلمه تکلم
کند نوشته شود
بر پیشانی
نامید از رحمت
خدا هر که
بجانب کعبه
براق انداخته
براق او بر روی
او باشد هر که
دوزن داشته
باشد و بعد از
آن روز قیامت
یک بطوی
افتاده باشد
هر که در دوزخ
دوزبان باشد
او را حق تعالی
دوزبان بدید
از آتش هر که
مقدار یک حب
بین غضب کرده
باشد حق تعالی
آن زمین را تا
بهشت ببلق
طوق در گرد
سازد همچنین
اگر کسی از راه
مسلمانان گرفته
باشد هر که از
مال غنیمت
بیشتر یا اسب
یا بز یا دیگر
مال

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور برآیند تشنگی برآیند غالب باشد و بجز غمیر را در از روز حوضی باشد
هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از این علامت امت خود را بشناسد و سید المرسلین علیهم السلام
سلم را حوضی باشد بنام کوثر یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یک یا سه راه باشد آب آن نفیة تراشیر
شیرین تر از عسل سرد تر از برف و خوشتر از مشک در آن آب کف نمائید تا باشد مانند ستارگان
زمین و از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و در آن در نیز آب انبشت افتند و علامت امت
آنست و صلی الله علیه و سلم آن بارگاه در روشن شدن است و بعضی میگویند که در آن
رضی الله عنه ساقی باشد هر که از آن آب وادار کرد و در آن کوئیند که در و
بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعد از آن کوئیند و بعضی میگویند که بعضی کسان را وقت
بر خاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب خاصی داده شود و بعد خلاصی از دوزخ
پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برآیند و چون سبب خوردن آب کوثر باشد تشنگی را
آب کوثر نصیب نیست علماء گفته اند که این را یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند ایشان
نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبار را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد
فصل چون مردم بمشتر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار بارگ بر هر باگ هفتاد هزار شتر
وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد بختیبه و حمله کند بقسمی که انبیاء و ملائکه از خون و
برزخها افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید
أُولَئِكَ مِنْ أُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ سر دواهم که چشم ترا در حق است
یا محمد و آفتاب نزدیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت آوزیاده کرده شود مردم در عرق
غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی مانند تانگ و بعضی تاراز و بعضی ناکر و بعضی تا دهن علماء گفته اند
که این از خوارق آن روز است که در زمین بر آب متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و در رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا و محبت خلق و صلح رحم و مانند آن سایه عرض ضایا

سایه دوستان
سین از امت تو
نزدیک است
این کلام
از دلش شنیده

[illegible]

[illegible]

بخدا از راه جمل و غفلت پست گرفته شود که هر کس که با خدا بگیرد پرستش که دست با معبود خود شود آفتاب
 پیروی آفتاب آتش پرستان پیروی آتش است پرستان پیروی بتان کنند و آنها را معبود
 خود داخل دوزخ گردانند و گویند لَوْ كَانَهُمْ كَانُوا كَالْإِنْسَانِ اللَّهُمَّ مَا وَدَّ وَهَّ كَلْبِي إِنْ كَرِهْتَ إِيَّاهُ
 داخل دوزخ نشدی پست جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را تکذیب میکنند
 در صفات الهی بر اه جمل نیستند چنانچه کفار یونان پست تر قسم خاسد سادسین بود و نصاری با
 در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه لبیم ما آب بهیگفته شود و بر
 و اشاره کرده شود به دوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید و آن پستند و بر و آیت
 که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک شسته بصورت عیسی پیروی نصاری و یک شسته
 عذیر برای پیو دظا هر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را به دوزخ رسانند فقیر گویند ظا هر از پیو د
 نصاری کسیکه پرستش عیسی عذیر کرده در زفره رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی عذیر را
 رسول دانستند و پرستش آنها کردند و سبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کا فر شدند آنها
 در زفره خامسه سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نماند مگر مومنان در میان شان منافقان باشند
 حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان فحش و کذب شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
 و الله که ما سولے خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام گویند
 که تنظیم ما که حق تعالی را بعلما که میباشیم بنیم از زمان حق تعالی تجلی کند نهجی که از آن تعبیر فرمود
 یَوْمَ يَكْشِفُ عَنِ سَاقٍ وَيُدْعُو إِلَى السُّجُودِ وَحُكْمُ كَرِهَ شَوْوَسُجُودِ مومنان مخلص سجد و رند
 و منافقان را پشتها مثل شاخامی کا و سخت شوند و بر پشت افتند و سجد و نتوانند کرد و دوزخ
 انداخته شوند پس مسلمان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده
 اول سوال کرده شود از خونریزها مقتول گوید یا رب ازین پرس که مرا چرکشته حق تعالی پرسد
 حال آنکه او دانا ترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرا باشد حق تعالی فرمود
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و بهشت رسانند

از ساق و خاند
 از ساق و خاند
 سوزند بسجده
 سوزند بسجده

دیگر قاتل گویشتم و اورتا که غمت مرا باشد حق تعالی فرماید پلک شدی تو فرستاده شود بدو رخ پیستر در
 دیگر مظلوم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
 آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرت کردید و سوال کرده شود
 از علم که بران عمل کردند باینه و رسولی فرمود صلی الله علیه و سلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت ترست
 از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد فرموده که مردا چاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
 کرده خواهد شد و از انواع و از اموال و مالیکین چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
 و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در آن نقصان باشد بود و فراغ از بنوافل جز نقصان
 کرده خواهد شد پست و زکات پست و دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول
 در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا ترسد و بداند که وضامت اگر بخوبی است اما
 او را ثواب باشد مثل ثوابی بقیه باین هر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
 از بارچه که بدان ستر عورت کند و از بارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه اگر می نری پناه
 و سوال کرده خواهد شد از آنکه پاکه دوستی کردی و پاکه نکردی و پاکه دشمنی کردی و پاکه نکردی حق تعالی
 خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از باوستان
 و قاضیان حاکمان سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زمان که اول
 و اولادش هر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
 فرشتگان از ان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهند گان را
 فراموش سازد و اگر مسکینی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر
 کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جزا گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
 اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشید و سبب
 احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی بنده را روز قیامت
 از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسن آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲
 مالکین جمع
 ملک یعنی غلام

و آنچه در حدیث ابی ذر آمده که صفار ز نوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
 سفیش آن باشد که عوض صفار ز نوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزور تقدیر از پنجین کس
 کبیره صادر شود و آنرا پوشیده دارد و بخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بزد که کسی باشد هرگز بخشیده
 بکلیه حسنات مدیون بدائن مظلومان مظلوم داشته شود و اگر حسنات او تمام شود و مدیون حقوق و
 بروی باقی مانند سیات و ائمان مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدو زخ فرستاده شود
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تقی باشد و آخرت درم و دنیا را
 و عوض مدیون حسنات داده شود و یا سیات موعی نهاده شود و موعی که اگر در راه خدا کشته شود
 و باز زنده شود و باز کشته شود و داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه محال
 گنا مان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نمیشود و دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
 بخشیدن حق خود پاک ندارد سوم ظلم عباد در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس
 که نماز دروزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
 دیگر را خون بخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
 هیچ نماند گنا مان مظلومان بروی نهاده او را بدو زخ انداخته شود و لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهایی داند رسول فرمود صلی الله علیه
 سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
 در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیات کند و محمد اگر دین بر او است و خود کرده باشد
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت او ادا در حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
 بفضل کند مظلومان را با نعامات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود به بهشت برند
فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب به بهشت داخل کند و ایشان را از
حساب معزدارد و در صحیحین اینها بن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

برین استیهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدوم است و با بعضی دود و با بعضی کشتی
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر پنجین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
 امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل هشت شوند رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و طعنه نکنند و بر خدا توکل نکنند عکاشه
 رضی الله عنه گفت من هم از انجاءه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
 عکاشه سبقت کرد و همچنین صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا و عده کرده است بر دوزخ کار من بفتاد هزار
 از امت تو بغیر حساب داخل هشت شوند و با هر هزار کس بفتاد هزار کس باشد و سه حقیقات از
 حقیقات پروردگار خوشی خیرین را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
 و غیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل هشت شوند زوای شان مانند ماه شنبه و هفتم باشند
 زیاد طلب کردم از خدا پیش زبده کرده و حق تعالی بابر کس از ان بفتاد هزار کس بفتاد هزار کس
 آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل هشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شصت و بیست
 داخل هشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون
 داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
 بدی کند ایشان بخشنایند و کسی با ایشان چل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنهاست
 که بطاعت خدا و از مصیبت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
 و بی علاقه دنیا و ملاقات نمایند و در احادیث آمده بر که در رنج و مصیبتها صبر کنند و هر که
 در حج و عمره میرد و اهل عرفان و اجسان طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و لذت
 با والدین و کسی که از فقر جامه نکر ندارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و
 دنیا رغبت ندارد و کسیکه از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل هشت شوند و اصیها مالی از
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون میز آنها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود و نیز آنها و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود و نه
 و قرا عمل برای آنها گشاده شود و در محنته شود بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عافیت بمانند
 آنکه بدنه های شان در دنیا بمقراضه بربیده شد حق تعالی سیر نماید غمناک و فی الصلوات اجورم
 بخیر حساب یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بپسردن
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی
 باشد که یوه و در زنگشت با حق او باشد گاهی بر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان
 نور نباشد قال الله تعالی و من لم یجعل الله له نورا فاما له من النور و در بعضی احادیث
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را گویند که
 نظر کنید با ما هم از نور شمار و شنی گیریم مومنان گویند و جفاوراء که قالتموه انور الخ یعنی
 باز گردید پسین بهشت خود جای که حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه
 دنیار و دید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آن است آنگاه مومنان را دیواری
 مثل دیوار قلعه پیش آید در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان
 مومنان را آواز دهند آیا ما بشما بودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما ما بودید لیکن
 نفس خود را فرستید یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود
 ظاهر آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را و اولاد منافقان آنکسند
 که در باطن کفر دارند و بنابر تفسیر استمرار کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور
 است و ایمان قلب تعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطفی شود
 مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد و افاض و خوارچ و معتزله و مانند شان که
 نور ایمان آنها از دبدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تارکها بمساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهن
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان بفرماید باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده اگر گرسنه در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سخنی از مسلمانان دور کند در امشعل باشد از نور بر صراط که از آن و شنی پذیرد عالمی که احاطه
نمکند آنها را اگر رب الغفر و فرمود که بریز کنید از ظلم برستی که ظلم تارکها باشد روز قیامت
فصل چون خشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت و دمنخ پل باشد
که از صراط گویند بارگیز از موتیز تراوش شیر و بران پل گلوها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان از آن بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل یق
و بعضی مثل بادند و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخلی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی
گناهان خود در دوزخ افتند و حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو یا شاه برای حاجت براری مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم سبقت بنیمبر صلی الله علیه و آله آموزد چشم زدن بر صراط و نکند و از و سبب بن نمند و
داوود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود که سانیک از حکم من باشی
و زبان شان بندگتر باشد و ابن مبارک و ابن الدنیا از سعید بن ابی ثانی روایت کرد که هر
روز قیامت بر بعضی مردم باریک است از باریک و بر بعضی مثل دایه بین رحق تعالی میفرماید
وَلَنْ مِّنْكُمْ اُولَٰئِكَ اَوْرُدْهُمْ اَنَّ عَلَىٰ رَبِّكَ خَمًّا مَّقْصِيًّا ثُمَّ نَجَّيْهِمُ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا قَدْ نَزَّلَ
الْظَّالِمِيْنَ فِيْهَا جَنَّتًا مِّنْ نَّبَاتٍ اَزْهَىٰ اَشْجَاكَ لَمْ يَكُنْ لَكَ وَارِدٌ شَوْءٌ وَ دُوزُخٌ اَمْسَتْ اِيْنِ اَمْرٍ بِرُودِكَ
لازم حکم کرده شده بستر نجات و مهمتقیان را و بگذاریم ظالمان را در آن برزخ افتاده و از دوزخ
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند

کتاب آرد
آنگاه که بداند
این که میگوید

و عده کرده بودی و برود و دوزخ او دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شد
 و طبرانی از ابی بن اسیر روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که دوزخ روز قیامت سسلمان
 گوید که زود بگذرای مومن نور و آتش بر سر و گردن حدیث آمده که هر که را کس از او و او پیش از بلوغ مرده
 دارد و دوزخ نشود و گره گذرد و حدیثی آمده که هر که گسبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
 مگر آنکه قسم صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که چون مومن
 از آتش نجات یابند جسکی ده شوند بر پل که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
 از بعضی در مقام چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد در دست اوست که هر
 از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
 کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط بر آید
 قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سواي آن قصاص باشد که پیش از
 صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بحسن باشد از دخول جنت تا وقتی که منتهی شود
 فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی
 دخول جنت متوانند کرد و قلمی که میان بهشت و دوزخ باشد مجوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب این گنا هستند
 که مجوس باشند حکم خدا بر سر دیوار اعراف آمده و دوزخیان بسیار روی بهشتیان با سفید روی
 باشند چون سوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون سوی دوزخیان بینند از
 حال شان پناه برینند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی **أَهْلُ الْجَنَّةِ**
أَقْبَمُ مَقَرًا لَّيْسَ لَهُمْ فِيهَا حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ وَلَا فِيهَا شَمْسٌ وَلَا قَمَرٌ وَلَا لَظْمٌ وَلَا فَرْسٌ وَلَا
 و حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن با فواید آن
 باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب محصیت بهران داخل بهشت نشوند تا وقتی که
 و چرب شان خشک شود و آن زمان حق تعالی بر حمت خود آنها را داخل بهشت کند که این حدیث در منافذ

و فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان چه مرا می شناسی
گویدی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خواهم نوشانید مرا شفاعت کن آن مرد از خدا
کنند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من آب خود داده بودم مردی دوزخی مردی شش
گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من شش و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم در تفسیر قوله لا یغفر الله لکم انکم کفوهم بحیث یدعونهم من فضله مراد از
یزیدیم من فضله شفاعت است برای دوزخیان کسانی که با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و ده
اگر آتش برای ایشان واجب باشد و فرمود لطفان مسلمین زید عرش شفاعت کنند و شفاعتشان
قبول شود و در حدیثی آمده هر که سجد کرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته
که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود
شما پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شستن
باز داشته بودم شفاعت منی قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حج را
روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
لغت گویند گان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی الله علیه و سلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که عیسی
و دیگران از علما و صلحا غیر هم داخل شفاعت آنحضرت است که بدوات متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین و حدیثی طویل از ابی سعید
مردی است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون مومنان آتش برائی یابند و از صراط بگذرند و در جبهه
برای برادران خود که در دوزخ باشند او از شفاعت بمبالغه برآند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز
روزه و حج میکردند حکم شود که برآید بر کرا بشفاعت حق تعالی آتش بر صورت تمامی مسلمانان حرام کند
صورت های شان بحال باشد پس برآند خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی حکم

چون تمام باریان را
دوایشان را از دوزخ
نجات دهد

که باز بگوید هر که در دل او بقدر دنیا رایان باشد و برابر پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که بر تو
 و برابر کسی را که در دل او مثل مورچه رایان باشد پس بر آید خلقی کثیر را از دین یارب عالم آنگاه شستیم در دوزخ
 هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
 و باقی نماند مگر ارحم الراحمین فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ الشَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
 پس بر آید قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس میندازد حق تعالی آنها را در
 نهری بر روی هشت آزار نه جهات گویند پس ایند خباخچه دانه می رودید دریل پس بر آید مثل دانه در واره
 در گردنهای شان مهربا باشند این شست گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک در میان دوزخ و
 بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کنند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چرا
 دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکند حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و از گی جنت بیند مدتی خاموش ماند
 باز گوید که مرا نزد یک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز او عهد کرد
 که دیگر سوال نکنم در دروازه بهشت برو مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند و چون شست راق حق تعالی فرماید
 عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید آری مرا بخت ترین خلق مکن و عا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را برب
 و بفرماید که آرزو کن آرزو کند تا که منقطع شود آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کردی را باشد ده چند زیاد از آن
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت راق حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلایق تقسیم کرد
 و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا اگر رحمت را
 که البیسر الله و ارشود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن علماء را باشد حق تعالی میفرماید **لَا يَرْفَعُ**
الْكِتَابَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ عَنِ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ تَلْفِظُهُ مِنْهُمْ ثُمَّ يَقْدِرُ لَهُمْ
سَائِرُ الْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
 یعنی بعد انبیا پس سابق و ارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان و پس بعضی از آنها را عالم باشند
 بر نفس خود بگنایان و بعضی از آنها مسلمانه رو باشند و بعضی از آنها سبقت گرفته باشند بیکسها باذن خدا
 و بعضی است فضل بزرگ شتهای پیشتر که داخل شوند که نمره در آن جاری باشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

این مقدار از حدیث
 در توصیف جهنم
 افزوده اند و از
 ترجمه نیست و
 نظایرت با آن
 مخلوقین فیها
 من اسرار
 من ذهب
 و نوار و
 لباسهای
 حریر و
 حریر

له همدستین
خدای را که بر دانا
انده و بایشک
بود و کار با بر این
نشد و در شش

ع ایمان در یک
جزایب است

سابقان داخل شست شوند بغیر حساب و میانه روان حساب بسیر شود و ظالمان در طول محشر مجوس باشند بستر حمت
آنهارا تلافی کند گویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور
و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میدادم برای شما بر چه شما اید و با
فانده بهترین مسلمانان نزد خداست و فرقی اند شهادت که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علما که عقل
و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالص باشد و گرنه اول بد و زخ رو ندم مسلم از ابی بریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه سلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری شجاع گویند
پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بد و زخ اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمتها با و داده پس که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خانا نیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بد و زخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده او بر صنف مال مردم خشیه چون نعمتها خدا با و داده از او پرسد
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال بر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بد و زخ انداخته شود پس هر عمل نیت خالصه است
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم انما الاعمال بالنیات یا انبیاء عمل معتبر نیست مگر به نیت
فصل الايمان بین الحق والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکلیف نکنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد بگوگان بگوگان
که از رحمت خانا امید نشوند که من گناهم را بفرغ بخشم و باک ندارم و طبری از واثقه بن اسقع روایت کرد
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی او را گوید چه خواهی
اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او را گوید آئی تو دانا تری من گناهی نکرده ام نگاهام

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل بگویند ادنی نعمت از نعمتهای خدا بهمه اعمال او را فراموش و انگیزه آن بندگ بود
 الکی بفضل و رحمت خود در بخشش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود
 و فائز سه اندکی در قسطنطین دوم و فقر سیات سوم و فقر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت بچندین
 بگیرد و گنایان باقی مانند و اگر فضل فرماید گنایان را و نعمتهای را بخش و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار لغو و بیهوده

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبریل نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده متغیر لایق
 آنحضرت پرسید که چه حال است گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بجلیدن با چوبی که در جهنم
 دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که
 سفید شد پستری هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستری هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
 آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده است
 حتی که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین بهمه میزند از گرمی آن اگر فرشتگان عذاب که در جهنم
 ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا داخل زمین را ببینند بهمه میزند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر حلقه
 از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوهها دنیا برآیند فرود و تا زمین سفلی هرگاه حق تعالی
 دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دشت آن پدیدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و دلهای ملائکه
 قرار گرفت در تحقیق است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هکلی حق تعالی
 گوید تا که رب العزت در آن قدم نهد آن زمان بعضی از ان بسوی بعضی بیچند و گوید پس بس و دوزخ در
 سفلی است یعنی زیر زمین دشت بالای آسمان بهفتم از دشت بن بنفیه و نیست که چون قیامت
 قائم شود خلق که پوشش سقر است از سقر دور شود و از آن آتشی برآید و دریا که بر جسم مطبق است
 و حار است میان جهنم و هفت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند بهانست محسوس
 فصل جنم راهفت در که هفت و هفت درستی یکی بالایی دیگری دیگر آهر در جماعتی است قسمت کرده

اول شان چشم است در آن عذاب کبر است بر گناهکاران این است پست تر از آن نطفی از آن پست سحر
 از آن پست خطره زیر آن سقر زیر آن چرخ پست تر از ویست متاهان در هر که اسفل باشد از دوزخ مسلمان
 را باید که همیشه از دوزخ نجات بجای پناه جویند از عباد مروست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
 دوزخ با هم سجد گفته شود که چه حال است دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
 بگذارند پیغمبری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمی خفت تا که تبارک و حم سجده
 نمی خواند و فرمود که حسم تا هفت اند و در دای چشم هم هفت اند حسم سجده از آن روز قیامت
 بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که ای داخل نشود ازین در یکم بامن ایمان داشت و مرا می خواند
 فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شد
 و هر روز قوت شان زیاد می شود و هر یک از آن تقدیر است که در میان دوشان صد ساله است
 در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک را انگشت تاشت بعد و همه دوزخیان
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قلمی گفته نوزده سردارند و موکلان
 جهنم بشمارند و ویل و اوست در جهنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود و پیش از آنکه در قعر او رسد و در دا
 که در وی دم دوزخیان جبار است و صعود و کوه است و جهنم در هفتاد سال جهنمی با علام آن رسد و باز از آنجا
 فرو افتد و چنین تا بد باشد و در روایتی آمده که صعود و کوه است که اگر در وی دست رسد گداز شود و چون دست بر آن
 باز دست درست بشود و همچنان قعر فرمود صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
 تا هفتاد سال پایین او رسد و در نهایت آن غمی است و اتمام و آن هر دو نفر اند از زیر دوزخیان و موتقی
 و ادوی عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت
 کرده بسوی پروردگار خود گفت که از شدت حر بعضی از برای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
 می بپردی که از سردی او در دنیا سر می شود و دمی بگری که از گرمی او در دنیا گریه می کند
 فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شد بد الحرارة و سبب بن سجد
 اهل دوزخ را پوشاک باشد و بزرگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر است

احتیاج برآی و در خیانتش باشد و لحاف از آتش دوزخیان در زنجیر باشد که هفتاد و گز طول آن زنجیر باشد
 بزرگ از این هفتاد و گز هر یک مقدار این که بگویند اگر تمام این دنیا جمع کرده شود بیک حلقه زنجیر دوزخیان است
 آن زنجیر را از دوزخ انداخته و داخل کرده و از دهن برآورده بر سر سجده شود و جسم بالای سر کافر ریخته شود و پس بر شکم
 و فرویز و آنچه در شکم باشد در قدش باز بچکان در دست شود و باز جیم خسته شود و طعام دوزخیان قوم
 باشد اگر قطره از آن در دریا افتد زندگانی اهل دنیا نماند که آن قوم درختی باشد از شدت گرگانی آدمی
 از وی بندگان گیران درخت از آدمی بران قدر که بگوید و هر طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی
 علیه و سلم ضریع چیست در دوزخ مشبه خار تلخ تر از صبر پلوت است که هر ترا آتش و قستی که بخورد
 صاحب او در شکم فرو رود و از دهن برآید گلوگیر باشد و نرسد و نه گرسنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
 غسلین باشد یعنی ریم و دوزخیان و شراب شان جیم باشد یعنی آب که با نگر می خستاق یعنی آب سرد
 سوزی و رغایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دوزخساق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آب
 مرویست که خساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهر دار باشد ایشان را
 در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده و ربای افتد و آنرا مثل پارچه بکشند و بزنی
 از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر گرسنگی بر کافر غالب کرده شود و حدی که
 برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلوبسته شود پس با کنند که دنیا
 از آب طعام را از گلو فرو می بردند و فریاد کنند و آب خواهند پس جیم بگلوهای آبی زرد و مایه شان کرده شود
 از گریه آب روی شان برآید و چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعاست قطع کند آنگاه خازنان
 دوزخ را گویند و عا کنید از پروردگار که بگوید و از عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نبوده
 گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید نیست دعای کافران مگر در گریه یعنی ناقبول است
 گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد از ارسال جواب هر که شما همیشه در عذاب
 آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بختی ما غالب شد و یاقوی گمراه بودیم ما را از دوزخ برار اگر
 باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب بدهد احسن جواب و لا ینکسر علیک شیء من قبله یعنی دور شوید در دوزخ و سخن بگویند آنگاه

در زفر و حسرت باشند و در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار آورنده کردی ما را و بار اقرار کردیم گناهان
 خود آیا ما را باشد را بی بسوی بر آمدن از دوزخ جواب و بد حق تعالی این عذاب از انست که چون مرد
 توحید میکردند شما اعتقاد بشکر میکردند و شکر میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز نذا
 کنند آئی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدینا بفرست تا عمل کنیم بکوه جواب یا بند بچشید این عذاب را
 شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه سبب اعمال خود باز
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا اینجا نرسیم یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیری کنیم رسولان
 جواب و بد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمرند
 نذر فرستند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا اینچ ششید عذاب طالمان را کسی بدو کار نیست
 باز گویند ای پروردگار ما را بر باد بختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را برابر پس اگر باز کفر کنیم ظالم
 باشیم آنگاه جواب داد شوند **اَحْسَبُ اَنْ يَّكُنْ لَّكَ تَكْوِينُ** باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که در دوزخ ما را باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژ و مهاباش خرد ترشان مثل خنجر گاه میشنند
 رنج او تا چهل سال باقیماند و در روایتی آمده که نیش کژ و مهاباش درخت طویل از خرما باشد قسم از آبی
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
 و پیری پوست او مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از کتف او بلندتر شود و در حدیثی آمده که تن
 نرمه گوش تا دوش کافر بقتصد سه ساله راه باشد آتش بدن کافر اخور تا که رسد بر دل او باز نیش
 درست شود باز همچنان کند تا ابد عا ز رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت شود
 و باز درست گردد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم و بر روایتی در ساعت
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز
 هفتاد هزار بار و جمع روایات متعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

در رفتن که دوازده ساعت باشد بهفتاد و دو هزار میشود باسقاط کسر جمع این دور وایت میشود
 و از خنده مرویت که در جهنم درندگان و سگان و کلابها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
 کلاب قطع کنند و از آتش شمشیر و عضو عضه بداند و شمشیر باع و سگان میت از زنده و هر بار که عضوی
 را بریند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا
 کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فرو بسته تا آنکه پسند این عباس در تفسیر قوله تعالی **فَلْيَحْضَرُوا**
قُلُوبَهُمْ و **لَا يَكُونُ كَالنَّاسِ** میفرماید که دنیا قلیل است و دنیا برفه نواز است و نهند چون دنیا منقطع شود
 محبتش منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم و در حدیثی دیگر آمده که آب چشم منقطع شود از زنده
 خون بگریند و در رویهایشان خند قما شوند که اگر نیکوکاران بجا از دنیا بمانند و فرموده که در دنیا
 مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بد بختان ما در دنیا نگرستید حال
 فریاد رس دارید از زمان از اقربای خود که هشتیان باشند نداشتند ای جماعه پدران و مادران فرزندان
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقت تشنه ماندیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا بشما
 داده است بعد چهل سال از اینجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است و در دنیا
 در دوزخ زفر و شقیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از ابل و دوزخ کمتر و عذاب
 کسی باشد که او را نفسین از آتش باشند که از آن داغ و جوشد چنانچه دیگر میجوشت و اندک کسی از من در
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید
 که ابوطالب حمایت تو را کرد و او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحاح آتش است
 اگر من نمی بودم در دوزخ اسفل می بود و ضحاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
 با کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را نفسین است از آتش که از آن داغ او میجوشت

باب چهارم در عذاب گناهکاران از مسلمانان

رسول فرمود صلی الله علیه و سلم و دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

و بعضی کسان را آتش رسد پس میرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را برآورده بر
نهر که بهشت انداخته شوند و این بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها مثل سبزه برویند و در حد
آب که گرمی و دوزخ بر امت من باشد گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شش انگشت باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر فرموده زمان اگر من را
اکثر اهل دوزخ دیدم نمی گفتم چرا فرمود شما لعنت بسیار بگویند و کفر ان نعمت شوهران میکنند و نیز در حق آنها
فرموده که آنها بر عطا شکر میکنند و بر بلا صبر میکنند و فرموده که مردی را آورد دوزخ انداخته شود پس بر او آن نیکوکار
پس او را آتش گردش کند چنانچه هرگز نمیرد میگرد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلاحی حالت ترا اطمینان
از معروف و نهی از منکر میبردی گوید که من شما را از معروف میگردم و خود آن کار نمی گردم و نهی از
منکر میگردم و خود ترکب آن بدم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم می تواند کرد
و طلب علم نکرد و مرد عالم که با علم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانی جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب مابعدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر و نقره
آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنا
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعد از آنکه از کلمات و فرموده هر که در ظرف زریا نقره آب خورده آتش
دوزخ در شکم او آلود کند چنانچه آب در کوزه همچنین بر اگر اگر سیان جبهه حریر باشد او را طوق از آتش باشد
و در همچنین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد شکم خفت و او شود که در دو جگر ده
و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گذاشته بخفته شود
روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد و تکلیف داده شود که در آن روح داخل کند و هر که عالم را
پوشیده کند او را تکلیف از آتش داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی روبرو شخصی بوضعی دیگر گوید
و غایبانه بوضعی دیگر او را دوزبان باشد از آتش روز قیامت و هر که اراد و ضوایش نه خشک ماند و با
پخته او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو در انگشتان خلل نکند تا آتش

در میان شان نماید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده که هر که از بلندی خود را انداخته در
جفت و درونخ در چن غلاب باشد و هر که در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که
آب این خود را گشت همیشه آهین او در دست او باشد که شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل عیندرا
بدی خواهد داشت که از دوزخ بفرماید که آنست همیشه در دست کسی که گفته شود که گوشت او در چن
مردگی چنانچه خوروی گوشت او در چن است نه در کی این چنانچه در صحیحین آمده که چنانکه
باشند که در صحیحین و جمیع بگردان کون و اهل دوزخ گوشت کوهنا استند که خود کی شان را از اینداز
نویاده از ایندای نفس خود و او را گویند و در صحیحین آمده که اگر کسی از ایندای نفس خود و او را گویند
او باشد و او دانش شود و او خلق باشد و در صحیحین آمده که از ایندای نفس خود و او را گویند
او اسعاس خود را گشت شود و او را گویند که در دست او باشد چنانکه
عینت و همیشه گوشت خود خورده و از فیض خود در میان مرگ است که گفته عالم که از علم خود منتفع
نوزخیان متاوی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و آله که نه چای از اینان ایند و نه ایند
را از بد بوی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله که نه چای از اینان ایند و نه ایند
آنکه هر که مسک خورده و او را نوشاند حق تعالی طینت خجالی فرماید و در صحیحین آمده که هر که
که هر که خمر نوشد خدا او را جحیم منم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و آله که هر که خمر نوشد
و احبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پیریزند از کبار و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خجالی نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و آله که هر که خمر نوشد خدا او را جحیم منم نوشاند
کند تا که بر اید از ان قول برخیزد از ان قول فرموده که زمان نوحه گردا و وصف کرده بر جانب مدین
دوزخیان استاده کرده شود پس آنرا کرده باشد بدوزخیان مانند آواز سگان فرموده که سیاه
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده که سخت تر عذاب صور
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء را دشنام دهد بستر کسی
که اصحاب را دشنام دهد بستر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی باشد

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و فرموده که سخت تر عذاب بر کسی
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را به نخل
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوشی بهشت بینند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد
پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که همین استم که شما را حسرت و هم شهادت خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخاسته آن میکردید از مردم همبست میکردید و از من همبست نمیکردید و
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعلی استم که مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید و مرا در می چشام شما را
عذاب الیم و محروم استم شمار از ثواب فرموده که برای استنزه کنندگان با مردم دری بسوی بهشت
گشاده شود و گفته شود یکی از اینها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود همیشه همچین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده **قُلْتُ بَلَّغْ أَمْعَدَ كَافِرٍ** التائید یعنی باید که خانه خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او استاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران سوا امت محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند
روای شیطان سیاه شود و قیامی بهی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران امت محمد صلی الله علیه
و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند روای شیطان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اینها
از موصدان که بدون توبه مرده باشند هر که از آنها داخل دوزخ شود چشمهایشان از ررق نشود و در روای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک بنجر نکرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و جیم نخورده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهاشان آتش حرام کرده بسبب خود

بعضی از آنها را آتش باشد تا قدیم و بعضی را تپان باشند و بعضی را تابان و بعضی را تاریک و بعضی را نازک
بقدر نشان شان بعضی از آنها یک شعله است و بعضی بزرگتر یعنی بقدر یک روز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
و در دوزخ باشند بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در از مرتبت مانند شان در دوزخ مثل عمر دنیا بهر حال
فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ برارد بگوید و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما دشمنان دوزخ بودیم پس اینها چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که در میان جهنم است میفرستد پس آنها مانند سبز ترند
پس داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد **سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ** یا الله بعد مدتی آن نوشته میشود
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز در ایامی دوزخ برگسانیکه با هم مانده اند بخار کنند و هیچگاه آتشی
بر آنها نزند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و آله کذب الله تعالی بر در قیامت
بر کسانی که عمل نیک گاهی نکرده اند پس برادر آنها را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و برادر از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که باد داد
آزاد حرکت دارد و کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزیزی از یحیی بن موقوف میگوید که بعد مدت های مدیدی
در دوزخ کفار بهم باقی نمانند و مراد از خلوص آنها ملک طویل است لیکن این قول مخالف انصوص قطعیه واجماع
و علماء یحیی است و اما دلیل میکنند بر میگوشند که جای عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود
و کسی از موحدان در آن نماند ظرافتی از آنست و از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پسر عابد دهند آنها را کفار که
شمار تصدیق رسوا هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرااید که براند هر که باشد مسلمان آن زمان کافران
آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودمی آنحضرت این آیت خواند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَقْرَأُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْكُمْ الْقُرْآنَ لِئَلَّا يَتَذَكَّرُوا**
مُسْلِمِينَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلوص نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گوید و بر همین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابو ذر گفت که اگر جز بنا
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زن او سرقه کرده باشد باز او در جهان کشته باز آنحضرت

را خاک آلوده شدن
یعنی ای ذکریه از نظر
ای بسطی
این جهان از نظر

همان فرموده و در هر شب بستم گنجه کل آنم بخواب و فرموده هر که میرود و در حال تنگی
نکرده باشد داخل هشت شود و هر که میرود و در تنگی نباشد داخل دوزخ شود و حدیث درین باب
بسیار از زیاده از حد تواتر دارد و بعضی حدیث وارد شده که هر که شهادت دهد بگوید رب العالمین محمد
صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بر وی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و خلود در دوزخ
بر وی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن حنبل از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد و او را از
از دوزخش ازان انچه او را رسیده و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که
حق تعالی بفرماید که از آتش بر آید کسی را که روزی مراد کرده و جاست از من ترسیده باشد
فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون شیطان تمام داخل هشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار
در دوزخ مانند استاده شود بانگ مینهند در میان شان و او از کلامی اهل دوزخ موت نیست
و ای اهل هشت موت نیست هر یک در آنچه است بمانند باشد و هم در صحیحین از ابن عمر و ابی سعید
خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه هشتیان در هشت شوند و دوزخیان در دوزخ
مانند موت را بصورت کبش سیاه در میان دوزخ و هشت آورده شود و گفته شود ای اهل هشت
و ای اهل دوزخ موت را میثنا سید هر یک گردن دراز کند و بنید و گوید آری این موتست پس او را
ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل هشت خلوت و ای اهل دوزخ خلوت موت نباشد رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگین و دنیا بر این خوش شوند و اگر
اهل هشت را گفته شود که شما در هشت باشید عدد سنگین و دنیا بر اینه عملین شوند لیکن بر اینها خلوت باد
از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسی که در دوزخ مغلد باشد آنها را در صند و قهای آهنی کرده و بر
پنجای آهنی زده و آن صند و قهار او صند و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین دوزخ پس از
از آنها اندک غیر کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافق را در صند و قهای آهنی کرده
و در اسفل دوزخ در تنور باتنگ تراز میخ که کوفته شود و تیره کرده شود آنرا جب الحزن گویند

در هر شب بستم گنجه کل آنم بخواب
در هر شب بستم گنجه کل آنم بخواب
در هر شب بستم گنجه کل آنم بخواب
در هر شب بستم گنجه کل آنم بخواب

باب پنجم در صفت چریت و در دخول هشت و نهمای

دنوان شست محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین از عا بنی صدیقه مرویست که رسول فرمود
 علیه و سلم محکم گیرید کار خود را و نزدیک جویید بخدا و خوش باشید بدستی که داخل شست نخواهد کرد کسی را
 عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود نه مرا اگر آنکه پوشد مرا حق تعالی مغفرت و رحمت خود دهد
 صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل شست نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص
 کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث آمده است این سخن شکل میشود
 بقوله تعالی ادخلوا الجنة ^{عنه} یعنی داخل شوید بهشت ^{بها} بسبب اعمال خود و ادب میشود
 بدانکه اصل دنوان جنت و خلود در آن بفضل خداست چرا که خلود غیر متناهی است و اعمال متناهی است و
 تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است تنها و از این مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
 از صراط یعفو خدا و داخل شست خواهند شد بر رحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت با
 خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقرندگان را بر حمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقر
 متناهی را در دوزخ جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال است
 گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت بر حمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان
 فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیزی از حضور عنایت شود و این عبارت
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْغَزِيرِ الْحَكِيمِ لِفُلَانٍ ادْخُلُوا جَنَّةً
 عَالِيَةً قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ یعنی این خط از امیر عزیز حکیم است بر فُلان که او را داخل کنید بهشت عالی
 که ثمره آن نزدیک است و چون مردم داخل شست شوند خازنان شست گویند سلام علیکم و بگویند
 فَادْخُلُوا خَالِدِينَ هَؤُلَاءِ هُمْ زُرْتُمْ بَشَرَةً بَيَانَةً وَ بَكُونُوا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنَجِّهِمْ
 عَنْ عَذَابِ الدَّارِ الْبَشِيمِ ان گویند الحمد لله الذی صدق ما وعدناه و اوفى بنا الارض ننبئکم
 من الجنة حیث نشاء و بگویند الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لہ

سلامت شما باد
غرض حال شما
پس اینک شکر
جواب دان
سلامتی
بشمارت بسبب
جگر دان
بکشت خناس
آن
سبب
راست کرد باد
غرض خاطر کرد
نیم یک سیم
بشمارت
آن خدا
دلالت کرد مار
بجوانی
دیگر

اَللّٰهُمَّ اِنَّا هَدَاكَ اللهُ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ بِاَلْحَقِّ وَكَوْنُهُمُ الْاَحْمَدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَذَّبَ عَنْكَ
 الْاَحْزَنُ اِنَّ رِثْيَاكَ لَعَفُوٌّ شَكُوٌّ وَچون دم داخل بهشت شوند اول طعامشان بادت جبراهیل باشد
 فصل در صفت جنت و عدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتُ
 وَبَارَزُ مَوْدِهٍ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتُ ۵ یعنی هر که خوف کند از استادن پیش پروردگار خود
 برای آنها دو بهشت است و پادشاه از آنها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیرهما از ابی موسی اشعری مرویست
 که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بهشت چهار اند و از نقره است عمارتها و آنچه در نقره است از نقره است
 و دو از زر است عمارتها و آنچه در است از زر است و بنادر میان قوم و رویت خدا اگر پرده کبریا در جنت
 عدن دو بهشت از برای باقیین است و دو بهشت نقره برای تابیین است و بروایتی برای اصحاب نبین
 قرطبی گفت بعضی علما گفته اند جنات بهشت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنت عدن
 جنة المأوى جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دارد
 و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت است و دو بهشت در جاد
 منازل بشمار اند و صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که ایمان آورد بخدا
 و رسول او صلی الله علیه وسلم نماز گزارد و زکات دهد و زه رمضان گزارد حق است بر خدا که او را داخل
 بهشت کند در راه خدا جا کند یا در خانه خودش بسته باشد یعنی فایض او کند و جهاد و فرض عین نیست غالباً
 مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که همیا کرد است حق تعالی
 آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان و زمین
 پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت است و بالای آن عرش رحمن است و
 از آنجا نرانی بهشت پیشگاه اندازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله است
 و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت
 و رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه باشند
 تفاوت آسمان و زمین است و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد از این احادیث درجات مجاهدین

انمودی ما رضا مرآتیه
 آمدن فرستادگان
 پروردگار بآستان
 به ستایش
 ضای است که در کرد
 از آن ائمه را بر زمین بزرگوار
 آفریننده قدرت شایسته
 فی سبیل الرحمن ۱۱

در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزنی دشمن خدا اند از حق تعالی درجه او بلند کند در میان درجه صد ساله را به
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است و در درجه اول خانه
 و تختها و در راه دیوارها و قطعا از نقره است و در درجه نهمین آن همه از زر است و در درجه سوم همه آن از نقره
 و در درجه اول و زر بر جاست و نود و هفت درجه قسمی است که میداند آنرا جرق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
 کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دارانگم شمارا بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود بسیار
 و ضو بر سکاره یعنی در حالت خوش آمدن استعمال آب و وضو بخوبی کند و در رفتن مسجد نماز و انتظار نماز بعد نماز
 همین است ربطا و پیغمبری از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد از آیتهای قرآن
 پس هر که داخل شود و بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
 را در گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شش است
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بفرماید
 اصحاب بنی و ابن جبران از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب آن را گفته شود که قرآن بخوان
 و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند و نور
 از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر است فلان گوید که کن
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
 حق تعالی در دل او رضا به حسن کند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گسلی کشیدند
 و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها تشنه بیداری میکردند و شما خواب
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مستجاب کند
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب بیوم فرمود
 در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس پادشاه عادل و ذورحمه صل کننده و عیالدار صفا
 فصل حق تعالی میفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ**
وَمَا أَلْحَقَهُم مِّنْ عَمَلٍ غَيْرٍ شکی نیست که اینها را با اولاد خود بهم آمیزد و اینها را با عمل غیر اینها

در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزنی دشمن خدا اند از حق تعالی درجه او بلند کند در میان درجه صد ساله را به

اولاد آنها بایمان یعنی آنها من هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجه او رساند برای سرحی چشم او
 و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که نه باشد
 تو پرسیده اند مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
 پس ام شود بالحق آنها و فرموده که هر که بلند می درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر وی ظلم کرده
 و بدد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هر که برساند بسوی مادرش
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هر که گمانت کند یا فال او بپزند
 گیرد و از سفر بازماند بدرجات بلند رسد و اگر چشمی گفته که ششخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
 حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
 الطَّاعِمُ الشَّارِكُ كَالصَّائِعِ الصَّابِرِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام
 بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این را خدا بیشتر از تو کرده و طبری از
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندانند که من نسب مقرر کرده ام
 و شما نسب دیگر گفتید من متقی را کرم ساختم و شما این معنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
 بن فلان تر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس راه خدا هم حجت باشند و اعمال صالحه
 غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
 غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم
 بودیم و عمل صالح یکدیگر دیم اینها را بر ما چه فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است
 و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلقی فضیلت شده
 فقیر گوید که الهی اگر ما مال میدادیم من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر ما صحیح و حر بودیم
 عمل میکردیم حق تعالی که است گفته اید فقیر را بر غنی و مریض را بر صحیح و مملوک را بر مرتبه داده شود و بد خلق هیچ جزای

فصل بیست و هشت در او زده باشد نمازین که از باب الصلوة و صائم که از باب الصوم
 و صدقه دهندگان از باب الصدقة و مجاهدان از باب الجهاد طلبیده شود ابو بکر گفته یا رسول الله
 از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها و از باب طلبیده شود و فرموده ایم
 که تو از آن مردم بایستی فرطی گفته از همه در باب طلبیدن بسیار اگر است در حدیثی آمده که انسان هر
 عمل که بیشتر کند بهمان طلبیده شود حدیث آمده که هر که بعد وضو اشهد ان لا اله الا الله و
 لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله گوید هشت دروازه بهشت بر او گشاید
 از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزه رمضان کند در رکات و در وقت نماز
 پرمیزد هشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت بکشادن هشت دروازه بهشت
 وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب بدو گرسنه را
 از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
 چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد آنها را پرورش کند
 فصل رسول فرموده صلی الله علیه و سلم که دیوارهای هشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل
 شکاف باشد و سنگریزهای آن مروارید و یاقوت و خاک آن عفران هر که داخل هشت شود همیشه
 خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نیر و بار چهره او کمند نشود و جوانی او از ازل نبرد و تنهائی هشت
 در غار زوند بالای زمین روند در میان دروازه هشت چهل ساله راه باشد روزی چنان دعا
 شود که مردم پیوسته پیوسته زوند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل هشت شوند از امت من بختا و بزر
 یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بست گرفته رویشان مانند ماه شب چهارم باشد
 فصل در بهشت غریبا باشند بلند از جا هر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده
 این هشت اهل غفار آیند بالای خود چنانچه ستاره و در در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
 تفضل و بویگان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا برسند
 فرموده اند که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند و تصدیق کرده باشند با آنچه

از این باب در حدیث آمده است
 از هر دری که طلبیده شود خوب است
 لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها
 و از باب طلبیده شود و فرموده ایم
 که تو از آن مردم بایستی فرطی
 گفته از همه در باب طلبیدن بسیار
 اگر است در حدیثی آمده که انسان هر
 عمل که بیشتر کند بهمان طلبیده
 شود حدیث آمده که هر که بعد وضو
 اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
 محمدا عبده و رسوله گوید هشت
 دروازه بهشت بر او گشاید
 از هر چه خواهد داخل شود و فرموده
 که هر که نماز پنجگانه و روزه
 رمضان کند در رکات و در وقت
 نماز پرمیزد هشت دروازه بهشت
 برای او گشاده شود و بشارت
 بکشادن هشت دروازه بهشت
 وارد شده در حق کسی که سه
 فرزند طفل او را مرده باشند
 و در حق کسی که تشنه را آب بدو
 گرسنه را از طعام سیر کند و در
 حق زنی که تقوی کند و محافظت
 فرج خود و متابعت زوج خود کند
 و در حق کسی که چهل حدیث یاد
 کند که مردم را نفع دهد در حق
 کسی که او را دو دختر یا دو خواهر
 یا دو عمه باشد آنها را پرورش کند
 فصل رسول فرموده صلی الله علیه
 و سلم که دیوارهای هشت را خشتی
 از زر و خشتی از سیم بجای گل
 شکاف باشد و سنگریزهای آن
 مروارید و یاقوت و خاک آن عفران
 هر که داخل هشت شود همیشه
 خوش باشد ناخوش نشود و همیشه
 باشد نیر و بار چهره او کمند
 نشود و جوانی او از ازل نبرد و
 تنهائی هشت در غار زوند بالای
 زمین روند در میان دروازه هشت
 چهل ساله راه باشد روزی چنان
 دعا شود که مردم پیوسته پیوسته
 زوند و تنگ باشند و در صحیحین
 است که داخل هشت شوند از امت
 من بختا و بزر یا هفت لک راوی
 شک کرده داخل شوند برابر دست
 بست گرفته رویشان مانند ماه
 شب چهارم باشد فصل در بهشت
 غریبا باشند بلند از جا هر
 شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن
 آن از ظاهر دیده این هشت اهل
 غفار آیند بالای خود چنانچه
 ستاره و در در افق مشرق یا مغرب
 دیده شود برای تفضل و بویگان
 شان باشد گفتند یا رسول الله
 آن منازل انبیا را باشد دیگران
 تا آنجا برسند فرموده اند که
 آن منازل مردمان را باشد که
 ایمان آورده باشند و تصدیق
 کرده باشند با آنچه

و در حدیثی آمده که غرما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شبها
 نماز گزارند در حالیکه مردم غفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و در
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادرش سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
 افشای سلام کرده و سیکل این عیال خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز نشاء و فجر جماعت خواند او نماز
 در شب در حالیکه مردم یعنی کافران بخواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و در آنکه گفت یا رسول
 که اطاعت است که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس بنیاه و فصل آنکه
 اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی است اگر فضل الهی شامل حال است و در حدیثی آمده که حق تعالی غرما
 بهشت میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا
 در حدیثی آمده که غرما بی هشت رانه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسنده باشند آن غرما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین طیبه فی جمات عدی
 پرسیده شد فرمود قصر باشد از مراد در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در بر خانه هفتاد حجره
 باشد از زمر و سبزه هر حجره هفتاد تخت باشند بر تخت هفتاد فرش باشد زنگارنگ بر فرش زعفرانی
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد و زنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و از حدیثی آمده که سبب بنای خانه
 در بهشت ناشنا بسیارند که زور شده اند از انجمله بنای کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز صحی
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان غروب عشاء و سوره خواندن شب جمعه
 روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه جمعه و در حدیثی آمده که هر که وقت داخل شدن
 باز آید گوید اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَيَاةُ الْحَيَّةُ
 وَ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْحَقُّ لَا يَمُوتُ بَلَدُهُ خَيْرٌ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ نُسُتَ شَوْدُ بَرَاءِ او هزار در هزار رسند

و دور کرده شود آنروز هزار دینار گناه و ناکارده و خانه در بهشت تمام محضت فرموده که هر که ده بار سورۃ احقلا
 بخواند بخانه برای او در بهشت بنماید و اگر بهشت بار خواند و اگر سی بار خواند سه خانه محضت یا
 رسول الله در بنصورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود که اصل خدا فراخ ترست طهرانی از حکیم بن محمد
 روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص آن ذکر کند میشود از بنا کردن بند میشوند
 پس گفته شود آنها را که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که ما انفتحه رسد و همچنین از علی بن ابی نعیم روایت کرده و
 در حدیثی آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کنند
 برای بنده بر خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال آفر
 بنماید ... اول بنماید و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که در و غلوی ترک کند خانه او
 در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جال و او محقق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میان بهشت و هر که را
 خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه و بنماید
 و خانه در بهشت بنا شود و از یاقوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او در بهشت بنا شود
فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
 پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در بهشت
 او را بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که
 خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که
 خمر باشد و کسی که قطع رحم کند و کسی که در پیری زن نکند و کسی که از خود بر زمین کشد و کسی که خضاب
 سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود در دل او مقدار
 دانه خر دل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را بیند
فصل در صحیحین از ابی هریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت
 باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمزی از اسلام است ابی که از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در کوفه در سوره المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار

دوران پردانهای زیر باشد و ثمر آن مثل قلما باشد فرمود انحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی
صداله راه پاره پوشاک هشتیان را آید فرمود انحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در پشت بنا
مکانکته او از زر باشد و از ابن عباس روایت که نخله بهشت راتنه زرد سبز و شانها آن طلاست
و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم حلما و ثمر آن مثل قلم سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم
از زبد و نیشاد و بهشته سلمان فارسی رضی الله عنه چوب خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
اینقدر خوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که اینجا خلل و شجر باشد فرمود که هیچ و تنها آن ایندوارید و زیاده
و بالای آن اثر باشد یک ادبانی انحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده
اذا امکنه ما حب نوذرو بود آن حدیث گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید فی شجرة مخصوصه
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار و را بجای هر خار و با شد از هر خار و بهفتاد و دو رنگ برآید که
مشابه بگردنباشد و ثمرة درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته به حال میوانت
حجاب رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نفقه باشد و خاک او از مشک و درختان از زرد و نقره و شاخها
از زرد و ارغوان و نور و اما بقسمی استاده و نشسته و خفته از آبگرم و مسروق رضی الله عنه گفته از ثمرة
جنت هر گاه نکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ادبی بریره گفته که سدره بهشت را طوق گویند حق تعالی
میفرماید بشکاف بر اینده صلح من بر چه خواهد پس شکاف از آن اسپ مع زین لکام جنانچه خواهد و باید
شتر بار جل و مهار بقسمی که خواهد و برابر چه آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر کس سبحان الله العظیم
گوید برای او در درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابوهریره رضی الله عنه را دید که
درختی می نشانده بود که دلالت کنم من تبار درختی بهتر ازین گفت آن حدیث فرمود سبحان الله
الحمد لله لا اله الا الله الله الله اکبر و هر کس ازین درختی برای تو نشانده شود رسول صلی الله
علیه وسلم اینهم علی السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از سلام بگیر و خبر ده که بهشت
خان است و شیرین آب و آن بی درخت است و درختهای آن لا اله الا الله والله أكبر و لا حول ولا قوة الا بالله العظیم

نورخت در پشت نشانده شود و آبرج عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و دوبر و جاوران
بینی در یا حمت فرستند و هر قدم در پشت درختی نشانده شود و گناهای او بخشیده شود و حق تعالی
بفرماید **فَمَا فَاهِكُمْ وَنَحْلُ وَرَمَانُ وَفَوَاكِهُ مَا يَشْتَهُونَ وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ لَا مَقْطُوعَةٌ**
لَا مَمْنُوعَةٌ فِيْهَا مِنْ كُلِّ فَاهِكَةٍ زُوجَانِ آبرج عباس رضی الله عنه
فته که در دنیا از هر که بهشت نیست مگر نام و گفته برج در دنیا از غمزه بهشت شیرین تلخ تا که خصل در بهشت بهشت
یعنی صورتها هر یک نامها و بهشت باشد لیکن در حقیقت لذت چیز دیگر باشد مثمره بهشت را و از ده گز لطیف و خوشه
تصل حق تعالی بفرماید **وَأَمْدَحْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مَا يَشْتَهُونَ** رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
بدستیک تو بینی پرند و بهشت و غربت کنی در خوردن آن بپخته پیش تو بریان شده و آبی اما گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند از فند پیش او شل شتر سختی ز رسیده بوی دود و آتش بستر از آن بخورد
تا که سیر شود و باز آن برنده سپرد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اهل بهشت طعام خوردند و بنوشند و بول کنند
و آب و سن و آب یعنی نمند از ند طعامی که خوردند از آروغ و عرق بیرون رود بوی آن شل بوی شک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن جماع کردن فوت صدر مرد باشد
فرمود که سونان را از طرف خدا یا آییند در او قاتی که نماز میخوانند و فرشتگان بر آنها سلام گویند
فصل در بهشت نهرا باشد از آب و شیر که تغیر نشود و از خمر و از غسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد نجسبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شربها می باشد است صرف از آن نهر باریان خوردند و گریان از آن خلطی شود حق تعالی بفرماید **وَمِنْ جَنَّاتٍ**
مِنْ جَنَّاتٍ مِّنْ تَحْتِهَا نَاقُوتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَفَوَاكِهَ مِّثْرًا وَهُمْ فِيْهَا يَرْسَبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک بر آیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار زو و در کوزین و در کنگار
شان از مردارید و خاک آن از مشک باشد و از این عباس رضی الله عنه مرید است که در بهشت
نهریست که آنرا بیدج گویند بروی قباها باستند از با قوت زیر آن دانه ان باشند و دیده مرده
برای سیرانجا آیند و آن دختران بینند اگر دختر کسی را خوش آید دست خود بوی رساند

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر برود و در حق نرمانی بهشت حق تعالی میفرماید
 یَغْفِرُ لَهَا تَقْبِیرُ اِیْمَانِی اِنْ شِئْتَ بِرَحْمَةِ رَبِّکَ اَنْ تَعْبُدَکَ بِاِیْمَانِی شِئْتَ تَقْبِیْرُهَا شِئْتَ
 از رازان قضیهها اشاره کنند همراه آن قضیهها نهم جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیم مخموم بنماید
 و حقیق مخموم عبارت از خمر است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صدراع نشود
 چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد و چون این شست را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
 که نه زیاده باشد از خواہش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باد
 اگر چه داخل شست شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیرا خوراند او را حق تعالی عظیم
 خوراند و هر که خوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن در در حطرة القدس خورانیده شود و در حدیث
 وارد شده که در بهشت دخت باشد که از آن لباس شستیان برآید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
 سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و بار کثیر و خوبتر این ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پاره بهشت راست
 در دنیا پوشیده بشما دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا بیند بیوش شود و میرد و صاحبان از عکرمه زود کرده
 که لباس شستی در یک ساعت بنفقا در گمان تبدیل شود و در صحیحین نیست که آنحضرت فرموده که هر که حریر در دنیا پوشد
 در آخرت نبوشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا و ظرف زریا نقره خورد در آخرت از آن محروم
فصل در صحیحین است که مومن باز یورپوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و زمزمی غوره
 از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که او فی مراد بر آن با بین مشرق و مغرب رو شود
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که
 مصیبت زوده را تعزیت کند حق تعالی او را دوحه پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که
 ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلاق طلب کند و مختار سازد و از طلا
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
 یکی از زرد دوم از نقره سوم از مر و بار از کعب چهارم و لیست که حق تعالی در شسته پدید آورده است که از روز

پیدایش خود تا روز قیامت زبیر بشتیان تیار میکند از سعید بن جبیر و تفسیر قوله تعالی **لَا تَنْهَوْنَهَا**
مِنْ اِسْتَبْرَاقٍ یعنی شستن بشتیان را استر از استبراق باشد مرویست که گفته نظر بر این آیه باشد
فَصَلِّ مُمِيتِينَ فِيهَا عَلَى اَكْثَرِ اَيَّامِكُمْ یعنی نیکو زده بر اکیهانشینند بیکه را در چند روز هر یک است گویند
 که در زیر آن نخت یعنی چهار یا بی باشد و بالا آن جمله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مرد و اریه و یا خو
وَمِمَّا رَقِصْصُوفَةٌ یعنی نیکیا با هم صفت بسته از ابن عباس و یست که خیمه از مرد و اریه و یا خو باشد
 فرسخ و فرسخ چهار بر تخته از زرد در آن باشد **تَقَالِيكُنْ** یعنی ابل هشت روز برو بنشینند بعضی گفته
 پشت نه و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه یکم و اریه و یا خو باشد
 که شصت و هفت روز آن باشد و هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر آن کس دیگر اهل خانه را بپایند و آن مو من همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس را در بهشت دوز و شب و ترفندی پسندد صحیح از
از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مو من بهفتاد و نه گفته یا رسول الله قوت بهفتاد و نه داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و این عساکر و این اسکن از حاطب بن ابی بلتعنه و احمد و ترمذی ابی سعید
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و دو دوزن باشند بهفتاد و نه خلقت بهشت دوزن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد و نسا و کثرت بسیار
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن در روایت دوزن اهل دنیا شبهه پیش می آید که در صحیح
که آنحضرت زنان را گفت اُرِیْمُکُنَّ اَکْثَرُ اَهْلِ النَّارِ یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بیا رخت بپوشید و کفران نعمت شوهران بنمایید و نیز آنحضرت غرابها را
دیدند در آن غرابها یکی بود سفید باز و با سرخ و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند بگرمانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و از تخیبش معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه جان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان در بهشت باشد و مراد اکثر اهل النار دُخِلُوا لَکُمْ اَبْدَلِیْلَکُمْ عِلَّتْ دُخُولُ شَانِ
در دوزخ کفری از نفرموده بلکه اکثر این دُکفران شود هر فرموده و تحیل که مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی

ووزن باشند گوارزان هم سابقه باشند با طفل مرده باشد از اطفال مومنین با اطفال کفار و وقت
 دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شود^{۱۲} لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
 از همه بهتر باشند زنان هشت یک باشند از حیض بول غایط و آب منی و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان هشت ظاهر شود ما بر این همان زمین روشن خوشبوکن روشنی
 آفتاب را بپوشد و دامنش را از دنیا و ما فیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در سبیل
 جوان داخل هشت شدم در موضعی که پنج نام دارد در آن خیمه با قوت و مرداید و زبرجد بود و از زنان
 السلام عليك یا رسول الله رسیدیم یا جبرئیل اینچه آواز است گفت این مَقْصُودَاتُ فی الحیاة
 اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زانیم رضی گاهی ناخوشی
 تکلمیم همیشه باشند گان گاهی سفر کنیم طهرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرموده که حوران هشت از زعفران مخلوق باشند و این مبارک از زید بن سلم آورده که بریدیش
 از مشک و زعفران و کافور باشند از خاک و طهرانی و بهیقی از امام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
 صلی الله علیه و سلم که زانیان از حوران هشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر ستر بسبب آنکه در روز حقی
 رویشان را نور شود و جسدشان اسفید و خوبی و محامشان از مردارید و شاهکشان از زرباشد امام
 رسید یا رسول الله زنی در دنیا و شوهر کند یا سه یا چهار در هشت که را باشد فرمود که او اختیار داده شود
 این اختیار ندهد که تر و اصدق و همچنین امام جعیه روایت کرده و ابن سعد ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
 از و اچ را باشد و ابن سعد از ابی بکر صه بن رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در هشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اَنَا اَنْشَاْنَا هُنَّ اَنْشَاءً
 جَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا اَعْرَبًا اَتَرَابًا یعنی حق تعالی زنان را چون در هشت داخل خواهد کرد
 باره و عاشق شوهر خود و همه زنان یک عمر باشند و ترمیزی و بهیقی از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که پیر زنان که در چشم و جگر گنج چشم را حق تعالی بکار سازد و نیز همچنین امام سلمه
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که این هشت مرد و زن همه یک عمر باشند سی و سه ساله

در این هشت نفر از زنان است

حق تعالی میفرماید **وَعَيْنٌ نَّظِيرٌ لِّسَيِّئَةٍ** و چشم و کلان چشم گامثال التو ل و المكنوت
 یعنی مانند مردارید و صدق و میفرماید **خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ** یعنی نیک خود خوش و این مبارک از
 اوزاعی روایت کرده نیک خوابند زبان دراز بهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایضا
قَاتِلِ الطَّغْوَةَ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نمینند و فرموده
 گو **أَعْبَأْتُكَ أبا** یعنی پستان نو خاسته هم سن این ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که خورشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ
 از این عباس از آن سرور روایت کرده که این شست را قوت جلاله ندهد باشد در صبحگاه
 با صد زن جماع کند و طهرانی از ابی امام از آنحضرت روایت کرده که آیت مجامت مانده نشود
 و شوش منقطع نگردد و هزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
 این شست با زنان خود جماع کنند بزرگ باکره شود لیکن از جماع و زنت تواند نباشد و اگر
 کسی احیاناً آرزوی ولد کند حمل فرزند و جوان شدن مولود در یک ساعت است و هر کس از او آید
 و البیهقی و غیر جماعه صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که مردی بایکی از حویرین صحبت داشته
 ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگوید که
 ولی خدا آیام را با تو نصیب نیست چندی بادی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانی
 و همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
 بر سر خلافت طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد بگیرد و فرموده که سیه چنانند هر کسی را یکی از آن
 باشد او را حورین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا و ادا کند و خیانت کند کسی که قاتل
 خود را بچشد و کسیکه بعد هر نماز سوره اخلاص اند و فرموده مهر حوران قبضهای خراب و پاک چکا
 نان است یعنی آنچه بدویشان بدید و فرموده جاد و بکشی مساجد مهر حوران است و فرموده که بهشت
 زمینت برگردان سال تا مالی بر ماه رمضان حوران زمینت بگیرد از سالی تا سالی دیگر برای ماه
 چون رمضان داخل شود و بهشت گوید آتش بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان درین حوران

در پشت کعبه لغو و بزل ششم و مانند آن نباشد و پدید یار رسول الله و در پشت شایسته باشد فرموده اگر داخل پشت
برگاه سوار علی سب خواهی کسی از یاقوت سخن را سوار شوی او را پر باشند بر دوات و هر جا که خواهی سازد و دیگر گفت
یار رسول الله شتر باشد فرموده اگر داخل پشت شوی بر خیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد میتا باشد
فصل در پشت بازار باشد که در آن بیع و شتر نیست مگر صورتهای مردان و زنان در آن باشند
بر صورت که کسی را خوش کند بعد از آن صورت گردد و طهر آنی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و سلم
روایت کرده در جنت عدن سواد ایستاده و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خطبه کای
هم نگذشته باشد تغییر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که در آن بر دیت حق تعالی دائمی باشد مسلم
از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در پشت بازار باشد در آن توبه و بی شک باشند
روحه مردم در آنجا و نداد شمال بر آنها دزد و مشک بر دایمی و بار چای شان افشانند حسن جمال زیاده
شود چون نزد اهل خود رند آنها گویند و الله شها حسن جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طهور در پشت
شل شتر خنثی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از آن هر لذت خورد و بار
آن طاهر برود و برود و در پشت با هم ملاقاتها کنند بر شتر یا سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه بکین
و این ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود که پشت در
باشد که از بالای آن علما و از زیر آن اسپان اطلاق از زرگزینهای شان جایگامی شان از مردارید
یا قوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نمهند و با هم بصر رسد اولیاء الله بران سوار شوند و گویند
و دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا آئمی اینها کیستند که نورشان نورهای ما را فرو نشاند و ما
که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جیاد میکردند و شما نمی شستید و بیعتی از مجاهد
و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی و لاذ آرا یک نحر را بیت نعیم و ملکاً کثیراً گفته که هر که از آن
آنست که فرستاده را بگفت تحفه و لطفها بر وی آرد و بوی رسد تا که اذن دخول طلب کند و چنانچه
و آن حاجت حاجت دیگر و همچنین این قولی الله بدخول هرگاه آن را می خواهی اذن پروردگار خود شتر
تغیر گویند این انجاست که حق تعالی اقرست از جبل الوری و حجب غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که از پیش
یکصد و بیست صفت باشند از آنجمله هشتاد و شصت از امت من و چهل از دیگر ائم و یکی و این عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان بر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوابید ازین
هر چه بخواهند مردم بجایا رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما و جوه سوال آموزند پس مردم بعلماء
و هشت هم محتاج باشند و طبهرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده
که اهل هشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا نکرده باشد این عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و هشت بر هزار ساله
میرسد و هفتاد و هشت عقوق کنند و الدین و قاطع رحم او پیرانی را و کسیکه از نگردد این را از کند نرسد
فصل اهل هشت در هشت بار در آن دیاران دوستان ملاقاتها کنند و ما جراتی نیایند
بزار و بیهقی و غیره با از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که چون هشتیان
داخل هشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تحت یکی مقابل تخت دیگری آید و با هم سخن گویند
انچه در دنیا گذشته بود و اهل هشت دوزخیان را هم بپسینند و هرگاه هشتیان بپسینند
و اصحاب رجات عالی ملاقات نمایند طبهرانی و ابونعیم و غیره از عاقلان روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست میدارم
و چون بخانه میروم می تو صبر نمی توانم کرد تا که بخندمت می آیم لیکر چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم
می ترسم که تو در هشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به هشت رسم ترا به بینم آن حضرت جواب داد
تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد **وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ** اَلَا يَتَذَكَّرُونَ
بن جبرئیل رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در هشت شود یعنی در دنیا پیغمبر
یا کبیر به شان اجر داشته یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و او در هشتان در پیشگاه
سی و سه سال باشند کیسان نه کم نه زیاده در چشم سر کشیده و این الهی دنیا از این عساکر

از دهمست موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مرویست
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع اهل
 بنامهای شان گفته شوند که آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
 از ابن عباس آورده که زبان اهل بیست و هفتی باشد و طبری گفته که چون مردم از قبول این زبان
 باشد و دهمست زبان عدلی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقر و اکثر اهل جهنم زنان و بزرگواران از آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم روایت کرده که اکثر اهل بیست و هفتی باشد یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
 و وجهی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از هر چه گفته غافل از شر و سلم از ابی هریره از آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بیست و هفتی شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای بزرگان
 باشد یعنی خائف و گریان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بیست و هفتی را گوید که شما را ضعیف شدید گویند چرا را ضعیف نشویم که ما را
 دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا نداده ام شما را آنچه ازین همه افضل است گویند
 ازین افضل چه باشد فرماید که از شما را ضعیف شده ام که گاهی ما را ضعیف نشویم
فصل بزرگترین نعمتهای بیست و هفتی دیدار خداست جل و علا و افضل و خوار و معتر که از این بکار
 دارند اهل سنت و جماعت بدان متدی شده اند حق تعالی میفرماید **وَجَعَلَ يَوْمَئِذٍ قَضِيَةً لِّلرَّحْمٰنِ**
لِيَهْدِيَ نَافِلَةً وَيُفَرِّدَ لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنٰى وَزِيَادَةٌ طبرانی از حسن بن بیست و هفتی
 زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این کلمات یعنی از هر چه خلق را شدین دانی بن کعب و کعب بن جحز
 و ابن مرویه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مرویست و رسول
 فرمود صلی الله علیه وسلم فریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه میخواهید
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد یعنی بن سعید گفته که در توحش حق تعالی

جن نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکند لیکن حق است که مومنان جن با قوا
 و کافران عذاب خواهند شد قال الله تعا خطا بالثقلین من خاف قلم ربیه جتنا فی آیه الا
 ربکا انکد بان وقال امرطشهن انس قتلهم ولا جان وقال الله تعا حکایه عن کلام
 الجن ومن اسلم فاولئک تحرروا وارشدا واما القاسطون فکانوا لجهنم حطباً
 ویهیقی از انس از انس و صلی الله علیه وسلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر آنها عذاب
 پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند و درشت با است محمد صلی الله علیه وسلم نباشند
 برسیدیم که اعراف چیست فرمود جایست بیرون بهشت در آن نه راه جاری اند و درختها و ثمرها و آراهن
 و آب مروی است که رسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید اولئک الذین
 حق علیهم القول فی امرهم قد خلک من قبلهم من الجن و الانس انهم کانوا خاسرین و لكل
 درجات علیها و یهیقی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام درشت باشند
 و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی درشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
 و حمزه بن حبیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و بر انس انیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجنة والنار
 والصلوة والسلام علی محمد و آله
 المختار قبلو الجنة والنار
 علی اهل بیتهم الطهاره
 الاخیار

خاتمه الطبع پس از پاس فریخته سبده میاد و همیشه در رخ جزا دهنده عباد و درود سبده شایخ کل در مقام
 محمود بر باران عاصیان از میان آتش دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان کرامت از بالای
 بل چون برق گذران انوده می آید که چنانچه تذکرة احوال موتی و میان شد اندر قور باعث اقدام بر طاعت اعراس و نور
 انجمنین تذکرة احوال آخرت معاد و امید و بیم ثواب عذاب یوم النشأ و علت گزاشتن موجبات وقوع در میزان طلبین
 اسباب خل و دجنان است نظیر و چه پیشین پیش ازین ساله سبکه تذکرة الموتی و القبور طبع در امده جلوه فرما
 جهان گردیده اکنون نظیر و چه پیشین بر حسب یغای و عده سابقه که در خاتمه رساله موصوفه و مبطوعه برای تخریر و پیشین بود
 کتاب هدایت نصاب تذکرة المعاد و از افادات جناب علم الکلام علامه الموری مولانا قاضی محمد شمس الدین
 قدس سره بر تصحیح تمام و تنقیح مالا کلام در ترجمه عبارات عربیه ثبت حواشی ضروریه باهتمام امیدوار افتضال نیز مونس
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور در مطبع نظامی واقع کانپور به جاد الاخر سنه ۱۲۸۵
 برای طبع در کربشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراس فرمای گنگهاران از مصحبت گشت هرگاه این نظر
 چشم بصیرت برین شاهزاد بکشانند و این دل را بدیدارش نور و سودا فرمایند اجترار در وقت خاص بیا و آور
 حسن خاتمه ممنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب مس سره رغبتی تمام دار و خصوصاً
 تفسیر منظری که بکلی همت و جملگی نیت خوابان طبعش میبایشد فاسرنا به حصول این مامول بستی بی دگرگزین
 توجه دلی را در دعا کار فرمایند همانا افتضال ایزدی اسباب طبعش را از زانی فرموده آن خنده رخسار از
 مطموره قلم بر منصفه کثرت بجلوه گریش اندویده آرزو مندان دیدارش را نور آگین و مسرت آگاهان
 آمین رَبِّكَ الْكَافِرُ وَالصَّالِقُ وَالسَّالِمُ عَلَى سُبُلِهِ مُحَمَّدٌ كَذَّابٌ وَاحْتِكَا بِهِ وَأَرْوَاجُهُ أَجْمَعُونَ

وجه ختم بر خاتمه برای سندین معنی که این کتاب بطبع و مطبوع نظامیت معهود و مستحق مهمتم نموده شد



